

# حقیقت

اردیبهشت ۱۳۵۶

## ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران

### اول ماه مه و جنبش کارگری کمونی

اول ماه مه، برابر با ۱۲ اردیبهشت، روز جهانی طبقه کارگر، یعنی روزیست که کارگران سراسر گیتی هم بستگی طبقاتی خویش را بر ای و از گونی نظام سرمایه داری واستقرار سوسیالیسم و کمونیسم بر سراسر جهان اسلام منبایند. کارگران وطن مانیز از در بریزان در این جشن طبقه خویش شرکت جستند و همستگی خویش را با خود هران و برادران خود در سراسر جهان بنمایش آوردند. جشن اول ماه مه را بر ولتاریای ایران برای اولین بار در سال ۱۲۹۹ م با ابتکار رهبری شورای مرکزی کارگران بزرگوار و روز آن پس از همکاری که توانست آشکارا یا نهایی، یاد این روز بر ارج را گرامی داشته است.

اسمال، فرارسیدن ماه مه در کشور ما با رشد و اعتلا عظیم نهضت کارگری همزمان گردید. است، جنبش اوج گردید. کارگری هر روز از کارخانه های به کارخانه ای و از شهری به شهری آمد. می گستراند و لایه های تازه تری از برولتاریا را در بر می گیرد. واقعیت های موجود حاکی از آنست که در طی سال ۹۰ م بیش از یکصد هزار کارگر در اعتصابات شرکت کرد. دانه ای نهضت اعتصابی کارگری در یکساله گذشته از سال پیش از آن هم بیشتر گسترش یافته و بیش از ۱۰۰ هزار نفر در شرکتهاست و در فوش بحران اقتصادی پوشندید فشار ناشی از آن بر توده های مردم و بیوزمه کارگران، گسترش بیش از پیش نهضت اعتصابی کارگری را در سال جاری نمودید. ماهه.

باجرات میتوان گفت که در تمام طول سالهای پس از انقلاب سفید، رهجی زمانی نهضت اعتصابی کارگری ماد ار ای چنین گسترش، دامنه و شدت اومی نبود. است. کارگران در بسیاری کارخانجات بیش از د و بار در طول یکسال به چرخ اعتصاب را برپا داشته اند و هر بار با فاضی ساختن ترانژیشن و خواسته های بیشتری از قبل در مقابل زیر واستثمار سرمایه داران و حکومتشان سینه سپر کرده اند. کارگران یک کارخانه ساختمانی بند عباس در طول یک سال بیش از پنج بار اعتصاب کرده اند، در کارخانه ای رسیدگی و یافتگی می تواند در طول ۳ ماه ۳ اعتصاب صورت گرفته است و کارگران بخشهای مختلف صنایع نفت آبا، د ان در طی سال گذشته به تنایب مرتب اد اعتصاب بوده اند. و اینها تنها نمونه هائی است.

تجدد و تود اوم اعتصابات در طول یکی دو ساله سی اخیر وجود یی بوده که کارگران رژیم شاه و اهله زده و پریشان، ضمن اعتراف بگسترش جنبش کارگری، به هر وسیله ای برای جلوگیری از اتمی آوری آورشد هاند. برگرزی و نشستمندی مخفی و ملنی ضد کارگری ارضا حبان و بد ایران کارخانه ها توسط ساواک، افزایش تعد اد مافوقین ساواک در کار اد ای بسیاری کارخانه ها، تبلیغات گوشه خراش از طریق جراید و خاصه "رستاخیز کارگران"، نمونه هائی از تلاش تب آلود و جنون آمیز رژیم ضد کارگری شاه برای مقابله با نهضت و رشد کارگری است. آخرین نمونه ی چنین اقدامات، آئین نامه فاشیستی که در زیر سرپوش انضباط کارگران "فاطی" و "بی انضباط" کسانیکه در راه تولید "خلل نامیدند به مجازاتنهای سنگین تهدید می نماید. بعلا و رژیم شاه تا آجاکه توانسته اعتصابات کارگری را بخون کشید و بضررب شلاق استبد اد سرکوب نموده است. در بسیاری اعتصابات ده هفتاد از کارگران به شهادت رسیده اند، صد هاتن بزندان افتند ه شده، بسیاری نیز از کارخانه اخراج و گاه به نواحی دور دست تبعید گردیده اند. با تمام این احوال، نهضت اعتصابی کارگری همچنان ادامه یافته و هر روز هم لایه های تازه تری از کارگران را در بر گرفته است.

گسترش و همه جاگیر شدن جنبش اعتصابی کارگری دیگر با بر طالت این نظریه ای انحرافی که گویا کارگران نسبت به قدرت خود بی اعتماد بوده و ارتجاع و رقتسار می بند ارند و تنیس از هر سرکوب، امیدشان به نیروی خویش کمتر و نشان از قدرت ارتجاع بیشتر میگردد. راه بهترین ندوی نشان مید. زندگی و مبارزه طبقه ی کارگران رچند ساله ای اخیر، به سبزه های استلال تشویقی، نادرتن این نظریه را آشکارا مینماید که معتمد

### # پیکار خلق دلاوری علیه رژیم فاشیستی بعثت

این مطلب را یک رفیق مارکسیست - لنینیست عراقی برای حقیقت فرستاده است. روزهای ۱۱ و ۱۲ صفر (۱۷ و ۱۸ بهمن) روزهای ادامه ای آخرین حلقه های زنجیره ی شورش خلقهای عرب بود که از مصر شروع شد. از سرزمین اشغالی گذر کرد و به عراق رسید. در اینجا بر بخورد مستقیم مردم ما با نیروهای سرکوبگر و جناحدار فاشیستی بود که خلق عراق طی تاریخ گذشته خود بیوزمه در دوران حکومت بعثتی ها با آن آشکاری کامل یافته است. رژیم فاشیستی بعثت در وطن ما ابتدائی ترین حقوق مردم را از آن جله حق انجام مراسم مذهبی شان را نیز برباد کشید. است. اما این بار با رخ توده ها به در نشان جناحدار فاشیستی است. یوه ای کارکن بعثتی ها را بلزده در آورده. توده های مردم ما در نجف طبق رسم دهر ساله خود صبح روز ۱۲ صفر از نجف روانه گریلا شدند. رژیم بعثت مزدوران خود از جمله روزبیزینستهای حزب به اصطلاح کسود نیست را که با بعثتی ها همکاری میکنند برگزاشت که با مردم مذاکره کرده آنها را از انجام مراسم اسمال باز دارند و بیسده نجف باز گردانند. پاسخ مردم ط به آن حکم جانبرائی دولت نجفی بود. آنها گفتند ما مراسم خود را مانند همه ی سالهای گذشته به انجام میرسانیم و شما هم هر چه میخواهید بکنید. پلیس بعثت در سرون شهر نجف بر سر راه گریلا با مردم در آرزو یختن وظیفی بویوشنیه نشاند. آنان تعدادی را زخمی و گروهی را نیز دستگیر کرد. جمعیت خشکمن در حالیکه شعارهای " سرنگون باد رژیم جنایتکار بعثت، ما حقوقمان را نخواهیم ننگ بر دشتان خلق و... میدادیم به نجف بازگشت، بسا رسیدن این جمعیت و در پیشاپیش آنها جرحومین به نجف و نجف کامل تعطیل شد. مردم در صحن و میدانهای شهرسرحم شده به تظاهرات و شعار در دادن پرداختند. شمارهای مردم هه کلاما سیاسی و علیه رژیم فاشیستی بعثت بود. این تظاهرات تا شب هنگام ادامه داشت. رژیم که در بد احتمال مقاومت و مبارزه ی مردم هست تمام قوای نظامی منطقه ای (منطقه ی رمادی) یک منطقه ی سنی نشین است مردم آن تحت تبلیغات گدشته ای استعمار انگلیس و تبلیغات امروزی بعثتی ها دارای تعصبات مذهبی هستند و بعثتی ها به پیروی از عملیات شتکارگران انگلیسی برای استفاده از همین اختلافات مذهبی، سربازان این منطقه را بمقابله با مراسم مذهبی شیعیان فرستادند) در حدود ۱۶ هزار نیرو با سلاح کامل به اطراف نجف، اطراف گریلا و جادیه بین گریلا و نجف فرستاد.

صبح روز بعد مردم نجف باز روانه گریلا شدند. ابتدا تعداد مسافری راه ( که همه نیز سر راه این راه را پیاده طی میکنند) بسیار بیشتر از روز اول و برخی از آنان نیز مسلح بودند. بین نجف و گریلا منطقه یی است بنام "خان النصح" بعثتی ها تصمیم گرفتند در این نقطه مردم را مورد حمله قرار دهند. با رسیدن سبل جمعیت به "خان النصح" نظامیان بعثت ( همانهایی که در سینا بر ۷۰ با بستن راه بروی فساد ثیان و کلبه به نیروهای ملک حسن خائف ناخ و تخت این نوکر سرسبز ای استعمار را نجات دادند و به قتل عام ۲۰ هزار فلسطینی در اردن کمک کردند، و همانهایی که در تمام طول جنگهای لبنان با بره انداختن سرو خاندان درونی و عوام - فریبانه در مورد "انجام ماموریت ای ارتش" ابد هادی بیبوسه در دل مردم ما بوجود آوردند و عیلا به همدستان سپاهگذار خود فاشیستهای بعثتی سوریه در سرکوب جنبش مقاومت و نیرو های ملی لبنان جلال دادند و کلبه کردند) مردم مارا و جنایتکارانه مورد حمله قرار دادند. در اینجا زده و خورد شدیدی در گرفت

است که گویا کارگران برای بر خیز ی و دست زدن در بسیاریه نیازمند "پیشاهنگان مسلح" از میان روشنفکران اند که از طریق بکرشته عملیات مسلحانه ی منفرد از توده ها، کارگران را به سخت اعتصابی فرخواند. کارگران را به پیشاهنگ سخت نیازناست، اما "پیشاهنگانی" که بسا عملیات جد از کارگران، با انفجار این یا آن موسسه ی رژیم و کشتن این یا آن عنصر در لوموز و حکومت، و عملیات تود ضیحی " در اطراف آنها قصد آگاه ساختن و رهبری مردم را داشته باشند بلکه پیشاهنگانی که معکارگران بسیاری رسانیده، ه متشکشان گردانند و ه د ایشان نمایان تا جنبش خود را از سطح خود بخودی و اقتصادی ی کنونی بسطح مبارزه ی سازمان یافته سیاسی و آگاهانه ارتقا دهند، و اینکار را با هه ها عملیات مسلحانه ی جد از توده ها، حتی اگر بایست و اعلام حمایت از جنبش کارگران "صوت گوید، حتی اگر معنی کشتن فلان سر - مایه دار استعمارگر که حق انزجار کارگران هم هست، و یا انفجار فلان موسسه ی تولید یی نیز باشد، هرگز به دست نخواهد آمد.

نهضت اعتصابی کارگری خاصه در دو ساله ای اخیر حاوی در سها و عناصر مهی است که بررسی آنها برای کمونیستها و همه ی کارگران ایران سخت اهمیت دارد. بیوزمه اینکه ما اکنون به استقبال سالی بحرانی و بر اعتصاب میرویم. یکی از مهم ترین عناصر موجود در نهضت دو ساله

که طی آن ۶ مزدور دولتی کشته شدند. ۹ نفر از مردم به قتل رسیدند و تعداد بسیاری زخمی گردیدند. مردم در این روز و خور با ساکاه محل را تصرف کرده و سلاحهایش را هداره نمودند. زده و خورد در این منطقه تا شب ادامه داشت. علا و ه بر نیروهای نظامی بسیاری که از رمادی آورده بودند، بسک هواپیما نیز با پرواز بر فراز سر مردم و به عنوان وسیله ای برای تهدید مردم بر جریان شترق کردن مردم شرکت داشت که در چند کیلومتری محل برادرورد در منطقه "الاخضر" سرنگون گردید و خلیان و دستیارانش هه کشته شدند. بد نبال این زد و خورد چند ساعته بالاخره در تاریکی شب مردم به دو دسته منقسم گردیده، گروهی نغشهای کشته شدگان را بدوش گرفته و روانه نجف شدند، و گروهی دیگر لباس های خویش کشته شدگان را بر انداخته از داخل خلعتانها روانه گریلا گردیدند. در این زمانی شهر گریلا دست هاستند بیسک شهر اشغال شده بود. نیروهای پلیس و نظامی بعثت هه یه خیابانها را بسته، گروه گروه در خیابانها مانند فاتحین ایسنگ قدم میزدند و مردم را کلب زده برق سرنیزه هاشان را به رخ مردم ما میگرداند. در چنین شرایطی بود که جمعیت در صحنی که پیراهنهای خویش هشتاد را دور سر خود میچرخاندند و شعار میدادند. این رویت نخلستانها سرازیر گریلا شدند و در حالی که شمار سرنگون های رژیم فاشیستی بعثت میدادند. درخیابانها با نهای بد و دین برداختند. جمعیت با پیراهنهای خویش و شعارهای ضد دولتی همچنان در خیابانها میگردند و از خیابان تا خیابان دیگر و از نبره ای بعثتی هیچ کاری ساخته نبود، تا اینکه وقتی مردم به همان ترتیب وارد حرم حضرت عباس شدند مزدوران بعثتی درهای حرم را از هه طرف بروی آنها بسته و صد ها پلیس و نظامی و سربازان اشیتی مسلح بر شان ریختند، باز در صحن عباس زد و خورد در گرفت ( برخی از مردم مسلح بودند) در این جریان بنا به اعتراف خود پلیس یک پلیس کشته و تعداد ای از مردم که هنوز اطلاع درستی از آن نیست، قسمت انظم کسانیکه از حرم بودند، بیوسله ی مزدوران بعثتی دستگیر شده و از داخل حرم با مینبهای نظامی به زندانها ها و شکنجه گاهها برده شدند. و پس از یک سرکوب فاشیستی بی نظیر بالاخره بعثتی ها درهای حرم را باز کردند.

روز بعد ۷ فوریه (۱۸ بهمن - حقیقت) رژیم نجف و تهبکار بعثت، دست به اجرای مزایمتانهای رسوا و احقانه گسی زد. به این ترتیب که ناگهان مزدوران داخل حرم امام حسین ریخته و مردم را با سر صدا و کلب بیرون راندند و بیوسله ایادی خود شایع ساختند که بعثت سوریه در حرم حسین بمب گذاشته بود، و میخواستند حرم را منفجر کند و مردم عراق را بکشد و... و در اثر هوشیاری حکومت بعثت، کشف شد و ختی گردیده و از فردایش هم گروههای مختلف مردم را و دانشمندان نگارنده شکنجه سرگردان باند جنایتکار بعثت، با وسایل الیکر و صدام حسین برزند که آگاه بوده هاند و نگذاشته اند جنایت رژیم سوریه علی شود!

اما واکنش مردم آگاه ما در این مورد دیدنی بود، همه بسه ریش دوروثوگان میخندیدند. از هه مان لحظه اول پخمشن شایعه یی بچه ها هم میگردند. بزوغ است. مردم خوب می دانند که بعثتی نادان این هرد و بعثت به یکجا وصل است. در جریان تظاهرات و درگیریهای این دوره روز ۳۰ نفر از مردم رنجیدی می ما توسط اد مکان رژیم بعثت به قتل رسیدند. تعداد بسیاری زخمی شدند و حدود دوهزار نفر دستگیر گردیدند که همه یی اسشتاد روزهای اول شدیدا شکنجه شدند. تعدادی در زیر شکنجه کشته شدند که از جمله اش نرفشان را دولت اعلام کرد. محکوم به اعدام شدند و اعدام گردیدند. ۲۰ نفر تاکنون در دادگاههای جنایتکاران بعثتی به حبس ابد محکوم شده اند و بقیه را نیز سرزینتی نامعلوم

اخیرو وجود تشکل پنهان کارگری در پاره ای اعتصابات است. تجربی همه ی اعتصاباتی که اینچنین برگرزا گردید ه چون اعتصاب عظیم کارخانجات اسنجی شاد - ی نشان مید هه که سازمان اد آن پنهانی اعتصابی نوع سط رهبران کارگری نه تنها به دست اوم رهبری اعتصاب تشکل و نظم آن و حفظ وحدت کارگران در طول اعتصاب یاری رسانند و در نتیجه قدرت مقاومت آنرا نیز در سراسر نیروهای نظامی و ساواک بالا میرود، بلکه تنها و تنها با انگانه چنین سازماندهی میتوان امکانات همراه گردانید ن کارگران چند کارخانه را بد دست آورد. این اقدام در مورد اعتصاب کارگران شاهی موجب شد که نه تنها مردم به شاهی بلکه در انشجویان و انش آموزان شهرهای اطراف نیز به حمایت از کارگران اعتصابی بر سر خیزند. همین تجربه در مقیاس کوچکی در اعتصاب کوره بزخانه های تبریز در اردیبهشت ماه و نیز اعتصاب معد نجیان معادن ذغال سنگ شاهرود، که اولی قریب ۱۰ هزار دوی بی بیش از دوهزار کارگر را در بر گرفت. بکار برده شده و به موفقیت بار بوده است. در بسیاری اعتصابات بد بگریز نمونه های روشنی از تشکل و یابرنامه بود ن کارگران اعتصابی مشاهده میشود. مثلا کارگران سفینت کارخانهای بی اف، گور ریج با هم در کارخانه حاضر شده و دست با اعتصاب میزند. بسیاری از اعتصابات بلحاظ تشکل و برنامه ی قبلی به کیفی خواسته های خود رسیده و برخی نیز بدلیل نبود تشکل و برنامه ی قبلی موفق باشکست مواجه گردید ه هاند.

بقیه در صفحه ۲

در انتظار است. در جریان این رود ستهای پست رژیم بعثت کاربندان حرم به اصطلاح کمونیست عراق با پلیس رژیم همکاری کامل نداشته، در شناختن و تعقیب و دستگیری مسئولین نظامی هرات نفتر خود را بازی کردند و دست خویش را بخون مردم قهرمان آفشتند. رهبری حزب کمونیست عراق از هه مان ابتدا به افشای خسود دست بردار که با جلادان بعثت حد اکثر همکاری را بعمل آوردند. مردم جنوب و تن اکنین، بد نبال این جنایات آشکارا بعثت، همه سربازان خشم و نفرتند. مبارزات این چند روز نشان داد که مردم ما تسلیم جنایات ضد خلقی و فشارهای و خفاتی که رژیم نظامی حاکم اعمال میکند نخواهند شد. بقیه در صفحه ۳

### - گرامی -

بیش از دو سال از جنجال "مبارزه با گرانفروشی" میگذرد. نتایج آن بکیر و بیند هزاران کاسبکار و دکاندار خرده و تنسی چند نگذفت کیراد که در دیردرخت باج به خاندان بیهلگی تعامل ورزیده بودند. این انجامید و زمینه یک نازی سرمایه ییوری - کرات درباری را در صرح توزیع کالاها گسترده تر نمود. از هه مان آغاز نیز روشن بود که این برنامه با آنچه کار ندر گرامی ویسات رزه با آن است تازه اگر نیز چنین قصدی میداشت بيشك جز خیالی عیب نمیدود چرا که معضلات عمیق يك اقتصاد درهم شکسته و بی درو بیگر وابسته رابزور سرنیزه و قدری نمطی - حل کرد. بهرحال جابرجایان درباری سخت بر طبل توخالی تبلیغات خود گرفتند و اندکی بعد هیدای دلفن رقم تورم در ایران را صفر اعلام نمود و این مشکل اقتصادی را با چرخش زبان پایه گوی خود حل شده قلند اد نمود. اما واقعیت رشد سرسام آور قبضه در ایران همچنان خود نمائی نمود و هر روز بهر جد یی و بر رفتارهای کهن زندگی نمکند با مردم ایران میافزود و امروزه دیگر ابعاد این واقعیت به چنان پهنای گسترده ای رسیده اند که گمانش نماند سوز و طویعات درباری رونه از جانب نشریات امپریالیستی که سنگ "رشد" اقتصادی ایران را به سینه میزند بتواند امکان پذیر نیست. وال استریج (جوتال) ۱۱ آریل (۱۱۲۷) آهنگ سالیانه تورم را تا ۱۵/۰ درصد بیان میکند و همسر اینکه خود بانک مرکزی ایران افزایش شاخص بهای کالاها و خدمات را در اسفند ۱۳۵۰ نسبت به بهمن ماه ۲/۴ درصد اعلام میداد که این با آهنگ سالیانه ای معادل ۲۸/۸ درصد برابر است (کیهان ۲۵ فورید ۱۳۵۶). البته این مقاله با توجه به دافعی اوضاع کشور ایی ایران و روند تورم رگوید که تولید صنعتی داخلی و وابستگی تمام و کمال اقتصاد ایران به ارابه ی اقتصادی امپریالیسم که انتقال تورم را به ایران اجتناب ناپذیر میکند هیچ جای تمجید ندارد و بیشک این رقم نیز از رقم واقعی تورم در ایران هنوز فاصله بسیار دارد. در همینجا میباید اشاره کرد که تنها عوامل ذکر شده در بالا برای بیان ریشه ای رشد سریع قبضه در ایران کفایت نمی کند. این میان میباید به سیاستهای انحصار گرانه ی دولت را در قفسه کردن توزیع تمام کالاها از مرغ و تخم مرغ مواد غذایی دیگر گرفته تا مسیاجن و هم چنین رواج یسر دامنه بورس بازی و معامله گری زمین و مسکن که سردستگی اش بحمد یی خاندان امپولی است را نیز بیاد داشت. سیاست هائی که نه تنها باعث رکود تولید داخلی و وابستگی کامل به واردات میگرددند بلکه خود مشوق احتکار و معاملتگری و گرفت فروشی موسسات سرمایه بوروکراتیک درباری و هم بایگان آن در بخش خصوصی میگرددند.

به اعتراف همین گزارش بانک مرکزی ایران روند رشد سرسام آور قبضه نه تنها سیری نزولی طی نمیکند بلکه "باتوجه بسه افزایش نرخ بسیاری از خدمات و همچنین قیمت کالاها با به انتظار داشت شاخص هزینه زندگی در فروردین ماه بیش از ماههای آخر سال گذشته افزایش یابد". البته مردم ایران را نیاز یی بد پیشنگویی بانک مرکزی نیست چه موجب با افزایش بهای خدمات و کالاها به روزمره آبی بدل شده است و در همین چند بند اخیر متوجهیم با افزایش بیانی نفث و بنزین و نرخ کرایه تاکسی و اتوبوس و نرخ تلفن و آب روریرو بودند و افزایش نجومی و هه روزی بهای زمین و مسکن نیز که دیگر جزو مگامات عادی شده است و نیاز بنوضیح ندارد. اما آنچه که در آخر نیازمند توضیح است اینست که این سیر فزاینده افزایش قبضه با بستری از رکود تولید داخلی و کسادی بازار در حال گسترش است. رکود که به کاهش درآمد نفت و هم فرار سرمایه ها از ایران و هم مخارج و هزینه های نظامی و غیر تولیدی دولت در آن موثرند و جناب اینکه علاوه بر هه اینها و بانام بی پولی بازار، بانک مرکزی نیز سیاست تحدید اعتبارات و جلوگیری از کردن سریم پول را انداد کرده است. با این حال روند تورم نه تنها صوقف نشده بلکه سیری شتابنده یافته است. توضیح این مقاله نیز با نگرشی به وابستگی همه جانبه اقتصاد ایران به سیستم جهانی سرمایه داری و تاثیر بدیری هه جانبی اش از آن امکان پذیر است. امروزه جهان سرمایه داری با پدیده ی رکود صنعتی همراه تورم فزاینده و بیروسوت و بد نشک ظهور همین پدیده در اقتصاد وابسته ایران که جزو و بد نشک اساس تابع نیازمند بهای تقسیم کار بین الفللی امپریالیستاست. آخر بین نجف است که شاه خیانتکار و دارودسته بوروکرات درباری از اربابان امپریالیست خود بحارثت گرفته و برای مردم مسا به ارهان آورده اند.

شوروی کنونی . . . است. در نتیجه با تغییر ماهیت دولت شوروی، بسیاری شکلش به دیکتاتوری بورژوازی نوحاسته شوروی و سایر دولت نیز که مالکیت دولتی و بی مالکیت مزارع اشتراکی بود. بدین طریق خود بخود به مالکیت بورژوازی رومیزیوست نوحاسته که قدرت دولتی را غصب کرده بود تغییر شکل دادند. طبقه کارگر شوروی از سوا پیل تولید محروم شد و در بزرگیزی ندر که برای امرار معاش بفرود آمد مگر نیروی کارش که مانند تمام عوامل د بگرتولید به کالا بدل گردید به است.

بنظر اینک اطمینان حاصل نتامیم که خلعت مالکیت دولتی به خلعت خود دولت و اینکه دولت در دست چه کسانی است، بستگی دارد. کاقبست که نظری به واقعبت امروز دولت و لتهای سرمایه داری عریس که در آنها مالکیت دولتی در رسانهای اخیر گسترش یافته است بیفکیم. هیچکس فکر نمیکند که مالکیت دولتی امروزه موجود در دولتهای سرمایه داری عریی را به اشتباهی مالکیت سوسیالیستی، مالکیت بوسیله کارگران در نظر بگیرد. چرا؟ زیرا مالکیت دولتی همواره مالکیت آن طبقه است که قدرت دولتی را در دست دارد. تا آنجاکه قدرت دولتی در دست بورژوازی، در دست سرمایه داران است، مالکیت دولتی نیز شکلی از مالکیت سرمایه داریست، سرمایه داری انحصاری دولتی است.

در اصل ما با همین پدیده در اتحاد شوروی سروکار داریم. زائد نخواهد بود اگر اینجا اشاره کنیم که یک قرن پیش انگلستان کتابش "عقله در پیچک"، خاطر نشان کرد که خلعت مالکیت دولتی به اینکه دولت در دست چه کسانی است، بستگی دارد. البته در گرسانی مالکیت سوسیالیستی به مالکیت دولتی سرمایه داری از نوع ویژه و نیروی کار به کالا در اتحاد شوروی نه با یک ضریبی عسای سحرآمیز بلکه از طریق یک فرایند کامل تغییر ماهیت دیکتاتوری پرولتاریا به دیکتاتوری بورژوازی رومیزیوست نوحاسته انجام پذیرفت.

بهمان مقدار که فرایند های تغییر ماهیت رومنا، تغییر خلعت مالکیت، د گرسانی نیروی کار به کالوگسترش و شکوفایی تولید کالای سرمایه داری در اتحاد شوروی کامل شدند، فرایند برقراری مجدد استثمار سرمایه داری نیز خود بخود در سطح و عمق کامل گردید. این نتیجهی اجتناب ناپذیر ابراحیا مجد تولید کالای سرمایه داری بود. اینست آنچه که مارکس با عمق آموختن، بهمین اندازه که تولید کالای در تطابق با قوانین ذاتی خود به تولید سرمایه داری توسعه مییابد، بهمین اندازه نیز قوانین مالکیت تولید کالای به قوانین خود اختصاص دادند سر - مایه ای بدل میشوند.

۲ - اکنون شکی نیست که شکل عهد می سرمایه داری در اتحاد شوروی، سرمایه داری انحصاری دولتی از نوع جدید است. اما این "نوع جدید" هرگز بدین معنی نیست که ما با جوهری د بگزار سرمایه داری سروکار داریم. نوع جدید به تها طریق تولد و نقش آن را شامل میگردد و حال آنکه تا آنجا که مربوط به سه جوهران است، سرمایه داری است مانند تمام کشورهای سرمایه داری.

سرمایه داری دولتی در کشورهای غربی عهد تا در نتیجهی ملی کردن همراه با برداخت غرامت از سوی دولت بورژوازی بوجود آمد، حال آنکه در اتحاد شوروی از طریق کمال یافتن فرایند تغییر ماهیت دیکتاتوری پرولتاریا به دیکتاتوری بورژوازی نوحاسته ایجاد گردید. در کشورهای سرمایه داری غربی، سرمایه داری دولتی نقش وابسته به سرمایهی خصوصی و بخانه ابزار آن ایفا نمیاید، حال آنکه در اتحاد شوروی امروزه نقش غالب و اساسی دارد.

اما همزمان با تأکید بر این واقعبت که شکل عهد سرمایه داری در اتحاد شوروی سرمایه داری انحصاری دولتی از نوع جدید است می باید همچنین به اشکال دیگر سرمایه و سرمایه داری اکنون موجود در آنجا اشاره کرد. در نتیجهی حقوقهای فریه ای که بورژوازی نوحاسته شوروی در بخش دولتی و مزارع اشتراکی دریافت میدارد، نه تنها از عهد می داشت زندگی افسانه ای برمیاید، بلکه همچنین از عهد می ایجاد "اند وخته های" عظیمی در شکل سپرده که خود بوسیله بهره پل د بگری را بوجود میآورد، سرمایه داری اینجا سالد، انکار امکان پس انداز در جامعهی سوسیالیستی نیست. طبیعتاً موازات افزایش رفاه عمومی، مرسوم در حتمکنش همچنین پس اندازهای جهت تأمین بهتر احتیاجات صرفی آتی خود بوجود میآورد. اما

زمانیکه این پس اندازها فقط به "مرد می با توانایی های ویژه" تعلق دارد، زمانیکه اینها از حقوقها و انعامهای سبب از حد بزرگی که دریافت میکنند ناشی میشوند و مبالغ هنگفتی بهره پس میدهند، د بگزار اینها پس انداز بلکه سرمایه وامی، پولی که پول بوجود میآورد هستند. اینست آنچه که لینن میگوید: "طبقه" آغاز سرمایه داری - هم صنعتی و هم تجاری - تشکیل و سایل آزاد مالی در دست افراد دست (الفاظ "سایل آزاد" میاید بمعنای آن سایل مالی درک شوند که لزوماً برای مصرف شخصی بکار نمیروند وغیره؟

امروزه، بورژوازی نوحاسته شوروی بخشی از آریستوکراسی کارگری، صاحب سپرده ای قریب ۶۰ میلیارد روبل هستند که سالیانه بدون تکان دادن حتی انکشتی به ۲ میلیارد روبل بهره منجر میشود. فرمول سرمایه وام  $F = P + I$  که یک قرن پیش توسط مارکس ثابت گردید، د بقیافرمول اینست "اند وخته های" بورژوازی نوحاسته شوروی است. اما این تنها شکل سرمایهی پولی خصوصی تکل شده توسط بورژوازی نوحاسته شوروی نیست. اشکال دیگری نیز بصورت تعهدات دولتی، بیمه وغیره وجود دارند. سرانجام نمیتوانیم از کربود د بگری از تولید کالای که همه روز سرمایه داران جدیدی در اتحاد شوروی بوجود میآورد و به اصطلاح "زمین شخصی زارع اشتراکی" مربوط است خود داری کنیم. هیچ مارکسیستی انکار نکند که تا زمانیکه تعاونهای کشاورزی تازه تأمین برخی از نیازمند بهای اعضای خود نیستند، اعضا - تعاون - تنها مییابد داری قطعه زمینی شخص جهت برخی نیازمند بهای خانواده ای خود باشند. اما زمانیکه این "قطعه شخصی" از اندازه تا جویز میزند و نه برای نیازمند بهای شخصی، بلکه برای تأمین بازار استفاده میشود، د بگری آنزمان به اقتصاد تولید کالای ساد مبدل گشته است که همچنانکه لینن گفته است هر د قیقه، هرساعت و هر روز سرمایه داری می آفریند. این قیقا نوع اقتصاد در تمدن عظیمی از "قطعات زمینهای زارعی شخصی" در اتحاد شوروی امروز است. این "قطعات شخصی" امروزه تا ۶۰٪ سبزیجات، ۸۰٪ میوه جات وغیره را تهیه میکنند. در نتیجه ما مانند اقتصاد های تولید کالای، امروزه سرمایه داران جدیدی می آفرینند.

۳ - تجزیه و تحلیل خلعت سرمایه داری اقتصاد شوروی مییابد نه بر مبنای تظاهرات خارجی، عواقر - بیی خائنین به مارکسیسم، قوانین و اشکال قضایی که هنوز پوسته "سوسیالیسم" را حفظ میکنند، بلکه بر مبنای مناسبات واقعی اقتصادی از طریق که کلاسیک های مارکسیسم - لیننیم، حزب کارو رفیق انور خوجه به میآموزند انجام پذیرد.

در انتقاد به نارود نیکها، لینن به مارکسیستها آموخت: "بنظر تعریفاً" نوع "یک اقتصاد - ایانو" ما مییابد طبیعتاً مشخصات اصلی اقتصاد آن نظام و نه اشکال قضاییش را در نظر بگیریم. و واقعبت اقتصاد د ای اتحاد شوروی امروزه بگونه ایست که بورژوازی نوحاسته شوروی بدون داشتن قباله ای در جیبش او را ساز و آوار مالکیت و سایل تولیدی کشور نماید. به شکر این موقعیت و قوانین این وسایل را برای استثمار طبقه کارگر، برای مصرف سرمایه داری ارزش اضافی ایجاد شد، توسط کاربرد اخت شد می مردم زحمتکنی جز" مورد استفاده قرار میدهد.

مناسبات توزیع نیز درست مانند تمام عناصر د بگری روابط تولیدی کاملاً تغییر ماهیت دادند. در دست بهمین دلیل، بورژوازی نوحاسته شوروی میتواند بسهولت بکارگران اجازه نگاهداری متن قانونی اساسی شوروی را که قانوناً حق مالکیت عمومی را نند. پس مییاید در کشورها بدهد، بشرط اینکه این بورژوازی، فقرچی بانک را که در آن ارقام روبلهای پس انداز شد، د ایما رو به افزایش اند حفظ نماید. کل ارزش اضافی تصرف شده توسط بورژوازی شوروی اشکال متنوع بخود میگیرد. بخش عظیمی از این ارزش اضافه بانوع طرق از سوی خود این بورژوازی بدین منابهی مالک د دستجمعی وسایل تولید به سرمایه داری شکل سرمایه داری انحصاری دولتی د گرسانی مییاید. او این بخش را همچون وسایل تولیدی همانند یک طبقه و نه افراد، صاحب است. او بخش د بگری از ارزش اضافی صرف شده را فرداً میان اعضای طبقه خود در شکل حقوقهای فریه و انعامهای بیمه داری که در سالیهای اخیر برای مدبران نوحاسته شوروی برقرار شده اند و اد امداد رجال افزایش اند تقسیم میکند.

اصطلاح "سوسیالیسم آزاد" او توشیک نامی "انتقاد" کند و خود نشان دد تها قبل سرمایه داری آزاد را بر - توسط اعضای بورژوازی شوروی در شکل "حقوقها و انعام" قرار کرده اند.

نگاهی به اعتصابات یکی د وسالهای اخیر، و وجود نوعی تشکل را در اکثر آنها نشان میدهد. لکن واقعبت ها حاکی از اینند که اکثر اعتصابات که حتی بصورت مشکل بر گزار گردید و در مراحل نیز به پیروزی رسیده اند، فاقد یک یک تشکیلات کارگری پنهان د امی میاید. شند. در سن بزرگ همدی اعتصابات این چند ساله نیز اینست که باید هستی مخفی کارگری د امی در کارخانه ها بوجود آورد، با کارگران کارخانه های د بگری از طریق این تشکیلات پنهان ارتباط برقرار نمود و در عین حال هسته های کارگری هر کارخانه را با گروههای کمیونیستی مربوط ساخت، تنها و تنها از طریق ایجاد این رهبری پنهان کارگری د کارخانه هاست که میتوان د اوم میاید. رهزی اعتصابی را حفظ کرده، مبارزه د ریک کارخانه را با مبارزات د سایر کارخانه هاوتوید و های مردم بیرون کارخانه ها مرتبط نمود، کارگران بسیاری را به حمایت از کارگران اعتصابی د ریک کارخانه برانگیخته

تقسیم سرمایه گذار ایجاد اتحاد شوروی امروزه بر مبنای اصطلاح "ضریب استاندارد سرمایه گذار" میاید که هیچ جسط مگر انگلی "سوسیالیستی" برنخ متوسط سود نمیشاید، انجام میدهد. موقله بهای تولید سرمایه داری که رومیزیوستها برایش هزارو یک نام و توجه "سوسیالیستی" مییابند، د رکل اقتصاد شوروی عمل میکند. از طریق عدم تمرکز قیمتها که توسط خود موسسات تعیین میشوند و "قیمتهای متحرک" وغیره و غیره، حرکت آزادانه قیمتها، اگر چه در اشکالی د بگری کاملاً د ایست. موقله سرمایه داری بهرهی سرمایه داری در کل اقتصاد برقرار گشته است.

مبارزهی تکل د موسسات برای مناسب ترین شرایط ایجاد وجوه محرک، برای مفید ترین استثمار سرمایه، برای سود مند ترین شکل طبقه بندی وغیره هیچ نیست مگر شکلی از رقابت د ایرد اقتصاد سرمایه داری. رومیزیوستهای شوروی از طریق یکی کردن، ترکیب و انتقال فعالیتهای موسسات افراد، فرآیند های ورشکستگی موسسات افراد ی سرمایه داری را پنهان میکنند، امدار واقعبت این ورشکستگی موجود است. امروزه بسیاری از موسسات شوروی در موقعیت ورشکستگی مالی گرفتار آمده اند. طی دوران ۱۹۵۷-۱۹۶۰ فقط وامهای بانک سرمورد پرداخت نشده توسط موسسات، ۲۳٪ مرتبه افزایش یافتند. در طی دوران ۱۹۶۰-۱۹۶۶، تخطی از مودت های تصفیه تعهدات توسط موسسات ۲۵٪ افزایش یافت، حال آنکه کسبل این تعهدات سرمورد پرداخت نشده ۷۸٪ اضافه شد.

احیا کامل سرمایه داری در اتحاد شوروی نمی توانست ثروت مند شدن افسانه وار بورژوازی نوحاسته، فقیر ساختن توده های زحمتکن، ناکامیهای مداوم اقتصاد، بیکاری و بحرانهای متیلور د راشکالی نیاز و پدیده های دیگر سرمایه داری را ببار نیآورد.

برای نشان دادن نتایج فاجعه آمیز برقراری مجدد سرمایه داری در اقتصاد شوروی، ما فقط کاهش بارز آهنگهای توسعهی اقتصادی شوروی را در مقایسه با زمانیکه اقتصاد سوسیالیستی هنوز موجود بود ذکر میکنیم. لهدا، در مقایسه با دوران ۱۹۴۵-۱۹۵۶، آهنگ متوسط افزایش درآمد ملی در اتحاد شوروی در سالهای ۱۹۶۰-۱۹۶۴، ۴۴٪ در سالهای ۱۹۶۵-۱۹۷۰، ۳۵٪ بود و سال ۱۹۷۴، ۵۸٪ کاهش یافت، و مییاید گفته شود که آهنگهای توسعه اقتصادی محاسبه شده توسط آمار شوروی، افزایش عظیم تولید نظامی شوروی در سالهای اخیر را در بر دارند و اثر اینها حذف شوند موقعیت بحران و افول واقعی اقتصاد شوروی از این هم مشخص تر میشود.

کل تجزیه و تحلیل فاکتهای واقعی بروشنی نشان میدهد که اقتصاد امروز شوروی، اقتصاد د بطور قطع و کاملاً سرمایه داریست. د قیقا همین اقتصاد است که با پای سوسیال امپریالیسم شوروی را تشکیک میدهد که در داخل بوسیله استثمار و حتمیاتی نامی مردم زحمتکن، بوسیله تضاد های طبقاتی آشتی ناپذیر، بوسیله پدیده های فروکش و بحرانها - بیاید، نظامیگری بیسابقه وغیره خلعت نمائی میکند. حال آنکه در عرصه خارجی با توسعه طلبی نیتها سیاسی و نظامی بلکه همچنین اقتصادی، با استثمار کشورهای دیگر و در وهله اول "متحدین اروپا" شرقی مشخص میگردد.

ماطالعهدی جزوهی شوروی کنونی، یک کشور سرمایه داری و امپریالیستی، از انتشارات اتحادیه کمیونیستی ایران را به خوانندگان مقاله میاید - توصیه میکنیم.

واژه‌ها و ادعای گسترش مبارزه، امکان مقامت کارگران را در برابر پیشرفت‌ها در بند حکومت بالا برد.  
در بسیاری از اعتصابات، رهبران اعتصاب، بدلیل علنی بودنشان بلافاصله از جانب ساواک شناخته شده و با دستگیری آنان یا اعتصاب سرکوب گردید و با امکان اعتصاب ایجاب می‌شد که است. در راینجا سخن‌ها به سرفی استفاده از امکانات علنی، بلکه تا یک بر لزوم وجود تشکیلات پنهان کارگری در هر کارخانه بعنوان ابزار اساسی هدایت مبارزه با اعتصابی در هر کارخانه است. در همینجا باید به این نظریه خطرناک "کمیت مرکزی" اشاره نمود که به کارگران پیشنهاد می‌کند که سهه برای متشکل شدن پنهانی در هر شهری نمودن پنهان مبارزات کارگری و از جمله اعتصابات، بلکه برای بدست آوردن نیروی سندا گاه‌های ولتی و انتخاب شدن به عنوان نماینده کارگران در انتخابات علنی ساواک تلاش نمایند و بدین وسیله خود را انگشت‌نما کرد و در همان ساعات اول شروع مبارزه با اعتصابی به جنگ پلیس افتاد و در جنبش را بدین رهبر گردانند.

در بسیاری از اعتصابات کارگری، کارگران بتناوب و تواتر یک مبارزاتی متفاوت بکار گرفته اند که هر دو موفقیت‌های داشته اند. این دو یکی اشغال کارخانه توسط کارگران اعتصابی است و دیگری تسامد به اعتصاب به خیابانها. مورد اول که هم در اعتصاب عظیم کارگران جیت سازی تهران و هم در اعتصاب کارگران معدن ذغال سنگ شاهرود (و نیز بگر اعتصابها) مشاهده شده، غالباً هنگامیکه با پشتیبانی خانواده کارگران اعتصابی و کارگران سایر کارخانه‌ها همراه گردید، سخت مفید واقع شده و در موارد بسیاری به عقب نشینی رژیم و پیروزی کارگران انجامیده است. مورد دوم در اعتصاب یکبار زنی کارگران شرکت برق منطقه ای تهران مشاهده گردید. کارگران اعتصابی از محل شرکت برق خارج شده و بعد از زوال نیروی بدین ترتیب هزاران نفر از مردم شاهد اعتصاب و تظاهرات کارگران میگرددند.

تبدیل اعتصاب به تظاهرات خیابانی و گشایش آن به میان مردم از این نقطه نظر که خواسته‌های کارگران را در میان توده‌های وسیع تری از مردم پخش کرده و نیروی کارگران را در مقابله با یورش امپاتان ساواک بیشتر مینماید. زیرا هنگامیکه اعتصاب از محیط نسبتاً بسته کارخانه خارج شده و میان توده‌های وسیع تری از مردم کشیده میشود، رژیم شاه بدلیل اهمیت افراد و نیز گسترش اعتصاب، محتاطانه تر عمل کرده و در همین حال در صورت توسل رژیم به سرسبز، کارگران اعتصابی از حمایت سایر مردم و نیز خود ارگردیده‌اند. در تظاهرات افروخته‌تر میگردد. تاثیر این شکل از مبارزه طبقه کارگری در جامعه امروز که نهضت کارگری بطور اساسی سرگرد خاسته‌های فرهنگی جریان دارد، در آن قدرها قابل‌تأمل نیست. این تاثیرات نگاه ملموس خواهد بود که در اعتصابات کارگری از سطح صرفاً اقتصادی کمونی سطح بالاتری ارتقا یافته و خواسته‌های سیاسی در اعتصابات کارگری مطرح گردید. در رنجان شرایطی، خارج نمودن اعتصاب از محیط کارخانه و گشایش آن به خیابانها، و خاصه حمله‌های کارگری تاثیر بسیار عظیم در رسیدن مردم، به برانگیختن آنان مبارزه و تبدیل یک اعتصاب کارگری به یک تظاهرات وسیع تر سیاسی خواهد داشت. و این نکته ایست که محافل کارگری و کمونیست‌هایی که فعالیت در میان کارگران مشغولند باید بدین به‌گیند.

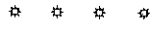
در پاره‌ای اعتصابات، با وجود آنکه بگرد خواسته‌های اقتصادی جریان یافته بود، کارگران در مقابل خشونت مأموران ساواک، شهربانی یاواند امری دست‌خوشونترده، و اعتصاب جنبه‌های تفریحی بخود گرفته است. در اعتصاب چهارده روزه چندین هزار معدنچیان معدن ذغال سنگ شاهرود، کارگران پس از اشغال محل معدن، با جوب و میله‌های آهن به مأموران و سئولان معدن حمله ور شده و تعد اداری و نیز روانی بیمارستان کرده اند. کارگران قهرمان اعتصابی شاه، ساعتها با پلیس و رواند ارم مسلح با دست خالی مبارزه کرده و بسیاری را مجروح مینمایند. در غالب موارد یک کارگران در مقابل خشونت فاشیستی رژیم شاه دست‌بمقاومت زده و گرد آنه پیروز گردیدند، در کارخانه داران و رژیم عقب نشینی کرده و کارگران اعتصابی به خواسته‌های خود دست یافته اند. لکن نکته مهمتر از دست‌بمقاومت به این بیان خواسته شخصی اقتصادی در اینگونه اعتصابات اینست که هنگامیکه کارگران در مقابل یورش فاشیستی مأموران رژیم، با هر وسیله ای که در دست دارند بمقاومت و مقابلگی گردانند، میراد زنده‌نمختن خود را برای ییکارهای بزرگتر محسوس آماد می‌کنند (چه از نظری برین بدتر خود و چه از

نظر کمب تجربه‌ای علی) و در و بگراینده به قدره ابتدا حکومت که گمان می‌کند هیچ نیروی رابرای ایستادگی در برابر آنها نیست، یاد آور میشوند که بیولتاریای ایران امروز با مشقت، جوب و میله و فرد اباسلاح گرم از آنان استقبال خواهد کرد.

سلفی همیستی کارگران چند کارخانه با یکدیگر و نیز همیستی کارگران بارقادی خود که در معرض حمله ساواک قرار گرفته اند، از بهترین عوامل پیروزی کارگران در اعتصابهای اخیر است. در کارخانه‌های شهاب رشت، پس از آنکه اعتصاب کارگران با موفقیت به تمام خواسته‌های خود دست مییابد، ساواک برای دستگیری تعد اداری کارگران که فعالیت اعتصاب فوق بود، اقدام مینماید، لکن بمجرد مواجه شدن به تهدید بد کارگران در ادامی اعتصاب عقب‌نشسته از دستگیری آنان منصرف میشود. در هر مورد که کارگران کارخانه‌های دیگری با بخشهایی از مردم بمقاومت از دستگیری بی‌برخاسته اند امکان مقاومت آنان در مقابل یورش ساواک و پیروزی اعتصاب به مراتب بیشتر گردیده است. بعکس، در مواردی چون اعتصاب دوم کارگران کوره بزرگ خانه‌های تبریز در خرداد ماه، که کارگران قالب دار و در اعتصابات بوسلی ساواک کارگران کوره بزرگانه دنبال نمگردند، اعتصاب با شکست مواجه میشود.

جنبش اعتصابی کمونی، اساساً جنبش اقتصادی است. اما با این حال، در بسیاری از اعتصابات، نمونه‌های مهبی از رشد آگاهی کارگران اعتصابی و نیز گرایش محسوس به طرح خواسته‌های سیاسی مشاهده میشود. کارگران جیت سازی تهران خواسته برکناری مدیر عامل ساواکی کارخانه را در کنار خواسته‌های دیگر خود مطرح نمودند که در ضمن پیشرفته ترین خواسته‌ها محسوب میگردد. در برگزاری جشن اول ماه مه با برچم‌های سرخ بوسلی همین کارگران و توسل به شعارهای ضد رژیم از جانب گروهی از کارگران پس از آنکه عد ای از ققیاشان بوسلی و او با شان ولتی بشهادت می‌رسند، از فعالترین جلوه‌های رشد آگاهی سیاسی کارگران در اعتصابات سال گذشته است. در رند ربهلوی پس از شهادت یکی از ماهیگیران بوسلی آن گمشان رژیم، مردم شهر پیوسته خواهی ماهیگیران برخاسته و تظاهرات با رژیم همی شهر را برپه کردند. مبارزه ماهیگیران نیز از خود خواسته‌های صرفاً اقتصادی یافتار نهاده، آنان نیز همراه مردم اعتراضات خود را متوجه رژیم وقت کرده بنده نش مینمایند. اعتصاب کارگران گروه صنعتی بشهر آشکارا اداری هسته‌های سیاسی بود و اعتصابگران اعلامیه ای با مضون کاملاً سیاسی نیز خطاب بد بگر قادی کارگر خود انتشار میدهند. از چنین نمونه‌هایی، کمابیش در بسیاری از اعتصابات میتوان یافت.

با اینحال لحظه ای مهم نمیتوان گمان برد که تغییر اساسی در روشون اعتصابی خواسته‌های مطرحه در اعتصابات چند ساله‌ای اخیر صورت گرفته است. امروز نیز مانند و سال پیش و پنج سال پیش و... اعتصابات کارگری بگرد خواسته‌های اقتصادی جریان میابد و هنوز نهضت کارگری ما از مبارزه با آگاهانه‌های سیاسی فاصله بسیار است. آنجائیکه گروهی از کارگران شعارهای سیاسی مطرح نمودند، این چون اعتصاب جیت سازی تهران و با اعلامیه‌های سیاسی انتشار دادند - چون اعتصاب در گروه صنعتی بشهر - مجموعی اعتصاب شکل سیاسی بخود نگرفته و همچنان خود بخودی و وضعی باقیمانده است.



با آنکه کمونیست‌های کمفرام راین یا آن اعتصاب کارگری نقش ایفا کرده، در راین یا آن کارخانه هسته‌های کمونیستی ایجاد نموده‌اند، نهضت اعتصابی کارگری اساساً بطور خود بخودی وجود از جنبش کمونیستی جریان داشته و نقش کمونیست‌ها در اعتصابهای کارگری گمانکام ضعیف و ناچیز است. اگرچه در سالهای اخیر بی‌درزمینی آگاهانه‌ها و اشتغال نمودن کارگران از جانب سب سازمانها، گروهها و محافل جنبش کمونیستی صورت گرفته است، اما گمانکام بدلیل انحرافات موجود و خاصه انحراف چریکی، جنبش کمونیستی ماد اداری ارتباط وسیع و گسترده‌ای با طبقه کارگری نینماید.

جنبش کارگری ما امروز بیش از هر روز محتاج تشکیلات آگاهی سیاسی و سازمان رهبری کننده است، خارج نمودن نهضت کارگری از محدوده‌های اقتصادی کمونیست، بدل نمودن آن به یک جنبش آگاهانه سازمان یافته و سیاسی که رژیم بشکار شاه و اربابانش را به زیر آتش حملات خویش گیرد، تنها از طریق فعالیت متحدان و آگاهانه و نقشه مند گروهها و محافل

از جنبش کارگری به خاطر بحران خارجی است که در ایران اجناس گران شده، افزایش دستمزدها با بروری گرانسی اجناس تاثیر میگذارد و بنابراین علنی نیست، اعتصاب در ایران تدغن است و غیر قانونی، آلت دست است عد و کارگر محرت و مغرب نشریه، بهترین راه آنست که سرکار خود بریزد، تاهباتی از طرف اداری بهیروزی از تهران بیاید و فرار اد جدیدی بسندید و از این مزخرفات، که البته هیچیک در کارگران قهرمان تاثیر نیک داشته، و متحد اعلام میکنند، تا رسیدن به تمامی خواسته‌های خود نه از سالنها خارج خواهد شد و نه هیچ نیروی سرکینگری را بداخل راه خواهند داد. کارگران طی تمام این مدت گناه بنظر افرادی و گاه دسته جمعی شمار میدادند: "باشکم گرسنه قرار اد نمیندند"، "مانا بچه‌ها- پمان را میخوامیم"، "این اداری کار دیگر نمیتواند با وعد و های خود مارا گیل بزند" و... در برابر این اتحاد و پافشاری کارگران مزدبران رژیم کارگر کتن‌پهلوی همه خلع سلاح مینماید، نه حمله گریه و زنده‌ها و جابلوسی هایشان راهی باز میکند و نه جرات حمله به کارخانه را دارند، بنابراین راهی برایشان نینماید جز تن دادن به خواسته‌های کارگران، بعنوان آخرین حمله و به امید بیرون کشیدن کارگران از سالن‌ها همان شب بدیرکل اداری کار قول میدهند که فردا صبح جلستی در استان اداری، با شرکت استاندار، فرماندار، تریز، مدیرکل اداری را و نمایندگان کارگران و کارفرما تشکیل شده، به موضوع رسیدگی کنند. کارگران شرکت نما- پنده‌های خود را در این جلسه را می‌بندند و با آن موافقت میکنند، لکن در عین حال اعلام میدارند که تا روشن شدن نتیجه کار از سالنها خارج نخواهند شد. بدین ترتیب شکستن اعتصاب و خروج از سالنها را موزک به زمان روشن شدن نتیجه این جلسه میکنند. در جلسهی استاندار اداری تصمیم گرفته میشود که برای افزون شدن استند کارگران، انضفا قرار اد گرفته بد بهره‌وری و بهبود شرایط کار را بنظر بند اشتی و ایمنی هیات ایز تهران بیاید و آن هیات تصمیمات نهائی را اتخاذ کند. کارگران این تصمیم را می‌بندند، لکن اعلام میکنند که تا آن هیات روشن شدن نتایج کارش باز سالنها را ترک نخواهند کرد و نظر خود را در مورد شکستن قطعی اعتصاب اعلام نخواهند داشت.

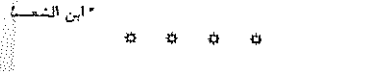
دو روز بعد هیاتی از تهران وارد تبریز میشود و شروع به فرمول تولید کارخانه در روزهای گذشته کرده، طبق فرمول قلابی انقلاب سفیدی که در هر حال به سود سرمایه‌داران نتیجه میدهد، حد اکثر کمونیستی و کارگری ممکن است، باید در هر کارخانه هسته‌های پنهان کارگری ایجاد نمود، باید در سطح هر کارخانه و در سطح همی کمفر به وسیع ترین افشاکری برداخته، باید فعالیت‌های پراکنده‌های گروههای کمونیستی را در سازمانها هس و آگاه گردانیدن طبقه کارگر از شکل کمونیستی خارج کرده و وسیع فعالیت متحدان و همسود بدل ساخت، برای جنبش کاری هیچ راهی مگر سازمان دادن یک دستگاه تبلیغاتی و افشاکریهای وسیع و سراسری که با در اختیار گرفتن نیرو و امکانات همکار سازمانها، گروهها و محافل کمونیستی و کارگری کار افشاکری را سراسری نماید موجود نیست. اختلاف

ایدئولوژیک، سیاسی از همی سازمانها، گروهها و محافل کمونیستی و کارگری که دارای نظرگاه درستی در مورد انقلاب ایران و وظائف کمونیست نیستی و موزکاتیک مردم ایران باشند در راین چنین دستگاهی قرار گرفته، نیروی همی خشک‌های جنبش کمونیستی را همسود گردانیده، به برانگته و خرد نگاری موجود پایان داده، نهضت کارگری ایران را از وضعیت خود بخودی و برانگته امروزی اش خارج خواهد نمود.

امروز بیش از هر زمان دیگر، سازمان دادن به رزمی سیاسی طبقه کارگر در دستور روز انقلابیون و کمونیست‌های ایران قرار دارد. و برای جنبش کاری علاوه بر همکوشی و حرکت متحدان، مبارزه بر طبقه همی آن جریانات و نظرگاه‌های انحرافی که در ارائه آلترونیوهای نادرست در مقابل کمونیست ها و طبقه کارگر ایران مشغولند، سخت ضروری است. نهضت کمونی کارگری امروز به همی کمونیست ها و کارگران پیشرو ندا میدهد: اوقات گرانها را تلف نکنید!

بیکار خلق در آور... از سوی دیگر مردم کر قهرمان ما نیز در شمال همچنان در جریان مبارزه با مزدبران درلندند و ما بی تردید درآینده - بی‌شک نه چندان دور شاهد حوادث قهر آمیزی در عراق خواهیم بود، حوادثی که به رژیم بعث نشان خواهد داد که جنبش خلق کرد ما آنان که آنها تصور میکردند بدنبال توطئه خشنکمان با شاه خائن پایان خواهد یافت، پایان یافتنی نیست و مردم عراق عرب و کرد، تسلیم این جنایتکار نخواهند شد.

در بسیاری که خلق قهرمان بشر تحت رهبری طبقه کارگر در کشور مبارزه خود علیه رژیم خائن سادات ما با آموتتت. بیات گرانپهلوی برای مبارزه دارد که ما خواهیم توانست با آب خشتان، آسار را به نیروی عادی تبدیل کرده، در مبارزه خود علیه رژیم فاشیست و خائن بعث از آن بهره‌گیریم.



این خبر نیز همراه با گزارش فوق برای حقیقت فرستاده شده است.

اواسط ژانویه‌ی سال (۱۹۷۷)، استاد اقتصاد دانشگاه بغداد، و طالب بغدادی توسط مزدبران بعث دستگیر شد. استاد طالب بغدادی در دانشگاه خفرانی بی‌براین خطاها و نارسائیهایی برنامه‌های اقتصادی و شمارهای ترویی و عوامل بیانیته رژیم نظامی عراق ابراد کرده و ماهم اقتصاد و سیاست رژیم حاکم را در این زمینه مرد و مدح و مکلام کرده بود. روزی ژانویه، استاد طالب بغدادی و تمام دانشجویانی که در جلسهی خفرانی شرکت داشتند بوسلی سیدام حسین خواستند شدند، که با چند تا مین سازمان امنیت به محلی که اوسطوراده بود برده شدند. صدام به استاد گفت شنیده‌ام که برنامه‌های شما را با افتاد اداری، ممکن است همان مطالب را دوباره بیان کنی؟ استاد با نسیات تمام گفت آری افتاد اداری را بیان خواهم کرد و همان خفرانی خود را کامل ابراد کرد. بدنبال آن صدام از دانشجویان پرسید چه کسی با این نظرات درگرواف است؟ در دانشجوی و نفسر شان دانشجویان دختر بودند دست‌ببند کردند. پس از این این جلسه در کربلا بغدادی و دانشجوی مذکور دستگیر شدند و تاکنون که بیش از دهه از آن تاریخ میگذرد هیچ خبری از سرنوشت آنها ندارد.

این شیوه آدم دردی شیوه ایست که هر روز و هر شمس از طرف بعثی ها دنبال میشود و تاکنون هزارهائی داشته است.

را برای تولید تعیین کرده و بر اساس آن مجبور می‌شوند اضافه دستمزدی به میزان ۴۰ ریال را برای کارگران بپردازند. در مورد دیگر خواسته‌های کارگران نیز مجبور میشوند قول انجام آنها را بدهند و بلافاصله پس از یک مبارزه ۶ روزه استاد که کارگران قهرمانان کربیت سازی توکل در اثر وجود و یکپارچگی و فشار و هشکاری خود پیروز شدند آنه به تمامی خواسته‌های خود دست یافتند و اعتصاب را پایان میدهند. افزایش دستمزدها کارگران این کارخانه، بلافاصله موج زمزمه ناراضی و درخواست اضافه مزد در کارخانه‌های تبریز و ممتاز باعث میشود، و ماموران اداری کار و هیات افزائی تهران مجبور می‌شوند برای جلوگیری از تکرار آنچه در کارخانه کربیت سازی توکل گذشت با کارگران این دو کارخانه نیز قرار اد بهره‌وری اضافه کرده و معادل همین مبلغ (۴۰ ریال) به دستمزدها کارگران این دو کارخانه بیفزایند. و بدین ترتیب اعتصاب دل‌ورانی کارگران کربیت سازی توکل نه تنها به تحقق خواسته‌های خود کارگران اعتصابی می انجامد، کارگران ممتاز و تریز را نیز از بروت خود بهره‌مند میسازد.

\*\*\*\* از انتشارات جدید \*\*\*\*  
جزوه "سیاس رفیق مائو تسه دون" از انتشارات "انحد به کمونیست‌های ایران" که حاوی شرح حال زندگی رفیق مائو تسه دون است از زیر چاپ بیرون آمده. از ما بخواهید.

# کمونیست

نشریه تنوریک - سیاسی اتحادیه کمونیست‌های ایران را از ما بخواهید

کتابهای خود را بصورت چک بانکی یا پسند در وجه I.T.L. به نشانی ما ارسال کنید.  
حقیقت را بخوانید  
در میان مردم  
پخش کنید!  
I.T.L.  
P.O. BOX 1148  
2000 Aarhus, N.  
Denmark.

### شوروی کنونی : يك کشور سرمایه داری

این نوشته ترجمه مقاله ایست از آریستائل پائو بنام "اقتصاد شوروی - اقتصادی کلاسا و بطورفلسفه سرمایه داری" که در نشریه آلبانی امروز (شماره ۲۳، ژوئیه - اوت ۱۹۷۵) به چاپ رسیده است. "ولت کنونی شوروی، مشابه یک سرمایه داری در دست جمعی، و سایر تولید رها تمام و بیوزن وازی نوخاسته شوروی اداره میکند. مالکیت عمومی سوسیالیستی به سرمایه داری دولتی از نوع جدید بدل شده است." - انور خوجه

زندگی و زمان همواره بهترین در اوصحت نتیجه گیریهای حزب ماد تمام مسائل بود است و ارزش بی حساب و اهمیت تاریخی شان را نشان داده است. این درست آن چیزی است که در مورد استتاجات مربوط به برقراری مجدد سرمایه داری در اتحاد شوروی نیز وقوع بیوست.

۱- سید نو شک خیانت بزرگ ایدئولوژیک و غصب رهبری اتحاد شوروی به دست گروهی خیانتکار که در کنگره بد نام بیستم حزب کمونیست شوروی شکل علی بخود گرفته، مقدمی احیای مجدد سرمایه داری در اتحاد شوروی بود. این گروه خائن رهبری خروشیف، فرایند تغییر ماهیت، یکتاتوری پرولتری را که در اتحاد شوروی موجود بود به یکتاتوری بیوزن وازی نوخاسته شوروی که آغاز به ظهور کرد، داده بود، آغاز نمود.

کل روشی جامعه شوروی تغییر ماهیت داد. د یکتاتوری پرولتری قبلی به د یکتاتوری فاشیستی سیمبلیتور وازی نوخاسته تغییر شکل داد، دولت سوسیالیستی شوروی به دولت سوسیال امپریالیستی بدل شد. گرچه سرآغاز فرایند تغییر ماهیت، روشی شوروی هم چنین سرآغاز احیای مجدد سرمایه داری بود، اما این تغییر ماهیت رو بنامیتوانست بدین تغییر ماهیت زیربنای اقتصاد پیشرو نماید. در نتیجه با آغاز فرایند تغییر ماهیت رهبرانی فرایند تغییر ماهیت زیربنای اقتصاد نیز شروع گشت. در اینجا ما با تأثیر متقابل د یالکتیکی و پیچیدگی تغییر ماهیت زیربنای پرولتری و سستم، که یکی پیشروی نمود و دیگری رها جلواند تا سرانجام شکل کامل سرمایه داری خود را بدین یافتند. همچنین در مورد مسأله تغییر ماهیت مناسبات تولیدی سوسیالیستی به مناسبات سرمایه داری، هم چنانکه حزب ماد راستان خود خاطر نشان کرده است، رهبران خائن خروشیف از برخی ناراستیهای موجود بویژه در مناسبات توزیع (اختلاف فاحش بین دستمزدها، که حزب ماد رستی آنرا بلائی خطرناک بیان کرده است) بهره برداری کردند.

د انسته است که سرمایه داری عالیترین و عامترین مرحله تولید کالای است. مارکس در کتاب خود "سرمایه" با بنوع علی اثبات نمود که هرگز تولید کالای عامیت یافته و شکوفان کرد، در نتیجه استثمار سرمایه داری خود بخود بوجود میآید. در نتیجه مارکس در کتاب خود "سرمایه"، تحلیل کلی از سرمایه داری در ادقیقا با تحلیل از کالای آغاز نمود. در دفاع از تئوری اقتصادی مارکس و در گسترش بیشتر آن، تأکید نمود که:

"شخصیات اصلی سرمایه داری بر بنیاد تئوری وی عبارتند از: ۱) تولید کالای بهائی شکل عمومی تولید. در سا مانهای متوسمی از تولید اجتماعی، محصول شکل کالا بخود میگردد، اما فقط تولید سرمایه داری است که این شکل محصول کار عامیت در ارد و استثنائی مغز و تضاد فی نیست. ۲) زمین خصوصیت سرمایه داری این واقعیت است که نه تنها محصول کار بلکه خود کار، یعنی نیروی کار انسانی نیز شکل کالا بخود میگردد. در جغی توسعه شکل کالای نیروی کار نشانهای درجه توسعه سرمایه داری است."

پس از تصب رهبری حزب و دولت شوروی، خا- شین رویزیونیست باشیوه ای پوشیده، شرایط مادی ظهور توسعه و مشخصه نکرده در برابران اقتصاد شوروی ایجاد کردند. و از آنجا که هر فعالیت عظمی نیازمند آمادگی قبلی ایدئولوژیک است، پس از ۱۹۵۳ اولین تزی در اقتصاد مارکسیستی که مورد حمله رویزیونیستهای شوروی قرار گرفت، در بارهی تولید کالای عمومی قانون ارزش در سوسیالیسم بود. بخوبی دانسته است که مارکسیسم - لنینیسم وجود تولید کالای راسا از کمیت قدرت دولتی توسط طبقه کارگری نمیکند. برعکس، این شکل تولید در اولین مرحله عینا موجود است، اما از آنجا که "بازمانده"

### از جنبش کارگری

گزارشی از اعتصاب کارگران کارخانه کبریت سازی تولگی. مختصری در بارهی کارخانجات کبریت سازی تبریز در تبریز که کارخانه بزرگ کبریت سازی رجب د ارد که بد تولید خود کم پیش صرف د اخلا راتامید نموده و یژاهای نینزه کثیرهای همسایه صاد میکنند. این کارخانجات هر یک در کار خود کارخانجات جنسی نیز از قبیل: کارخانه های تخته نشاری، نیوان ریفرمیکا دارند که بیوسته به آنهاست. در این کارخانجات جنسی هر یک حد بد. ۱۰۰ کارگر شغیل دارند.

۱- کارخانگی کبریت سازی ممتازبا. ۳۰۰ کارگر به مالکیت حاجی خلیل یحاجی رسول خوبی از سرمایه داران بزرگ. محل این کارخانه در باغچه است.

۲- کارخانگی کبریت سازی تولگی با ۵۰۰ کار- گریه مالکیت حاجی تقی ر حاجی اسد تولگی از تفرید ال- بیوزنهای بزرگ ایران ویرانان مهری سیلد ستا- میندس تولگی رئیس پیشین ماشین سازی تبریز بدی عامل کنونی مس سرشمه. محل این کارخانه در انتهای محله شهربان است.

۳- کارخانگی کبریت سازی تبریز بانزد یک بد ۲۰۰ کارگر، به مالکیت صد یقینی ها، سرمایه داران معروف تبریز. این کارخانه در جاده می تبریز- آذرشهر نرسیده به سردرد قرار ارد.

کارگران این هرسه کارخانه هگی مردند، هر سه در محلات فقیرنشین تبریز پراشده اند. ماشینها زد ستگاههای تولیدی این کارخانه هاجزد در چند مورد استثنائی هسه کهنه و قدیمی است و کارگران نیز اکثر استکاران با سابقه و قدیمی اند. و با توجه به ما- شینهای کهنه (اکثراتقریباً بیسی سال پیش) نبودن هیچگونه لوازم ایمنی، خطرات بسیار کار، و بیوزنه در قسمتهای که با مواد شیمیائی سروکار ارد و... به شد بدترین وجهی ستم و استثمار میشوند. دستمزدها کارگران هم بدین ۲۰ تا ۳۰ تومان است. سود بیوزنه که قرار بد در حد ۲۰ درصد سود کارخانه به کارگران داده و سود در این کارخانجات در اثر مبارزات کارگران بیس از سالها بالا خوه به حد سه ماه حقوق در رسال رسیده است.

شرایط دشوار کار، مزد کم و حمله نرهای و قد ری های سرمایه داران و دلتشان، باعث گشته که این کارخانجات بدام یکی از سنگرهای مبارزات کارگران حق طلب مهبان ماباشد. و مبارزات اخیر کارگران تولگی نونهی برجسته ثی از این مبارزات است.

شرح اعتصاب کارگران کارخانگی کبریت سازی تولگی:

کارگران این کارخانه از چندی پیش برای در- یافت اندگی اضافه دستمزده به ستولین کارخانه مراجعه کرده و در مورد ناچیزی مزد خود و عدم کفایت هزینهی زندگی شروع به اعتراض نمودند. تولگی که از عواقب تشدید خشم و مبارزهی کارگران میترسید با کارگران موافقت کرده و مبلغ ۲۰ ریال به عنوان پول صبحانه با مصطلاح جهت "تشویق" کارگران به کار بیشتر بد دستزد آنان افزود. بزود اخت این افزایش دستمزدها، ۲۰ درصد امد داشت که خیره مناسیح اداری کار رسید و اداری کار رژیم انقلاب سفید که با مصطلاح در خدمت کارگران زحمتکش ماست تصمیم گرفت تولگی را واد اریه قطع این اضافه دستمزدها، چراکه بنظر مقامات وزارت کار این عمل از یک سیادت- رات آکید آزموین فاشیست در مورد خود اداری سرمایه داران از افزودن دستمزده کارگران بدون اجازهی وزارت کار بد رضاد بود و از طرف دیگر میتوانست کارگران بد بگر کارخانجات رانیز به مبارزه و حق خواهی واد ارد.

بالا خوه اداری کار دستز قطع ۲۰ ریال اضافه دست مزد راد اد کارگران که از جریان مطلع شدند و دانسته بد ستیز مستقیم اداری کار دستزده شان کاهشی یافته و بنابراین با هیچ اقدامی از طریق این اداره به خواست خود نخواهند رسید، تصمیم گرفتند هزینه سفری جمع آوری کرده، نمایند به خود راجعت انجام مذاکرات با مقامات وزارت کار به تهران بفر- ستند. این کارصورت میگردد و نمایند به کارگران در تهران نمایند بد و مو" اخذ به مقامات وزارت کار روبروشده و بدین گرفتن نتیجه ای به ترمین سازی- گردد. از سوی دیگر اداری کار نیز از تولگی میخواهد که نمایند به کارگران را اخراج کند و بدین ترتیب نمایند به کارگران فرد ای بازگشت خود از تهران وقت به کارخانه بیوزد، از یوزدش جلوگیری میکند. خبر

بی شمرمانند مذاکرات نمایند و اضافه بر آن جلو- گیری از یوزدش به کارخانه بسرعت بین کارگران بخش میشود و بلافاصله همه تصمیم به اعتصاب میگیرند. فاصله بین جلوگیری از یوزد نمایند به کارخانه و آغاز اعتصاب نیم ساعت بیشتر نیست. کارگران زحمت کش و رنج بد هی این کارخانه که خود رها جنسی گستاخی بی از طرف سرمایه دار و دولت بد افغش طرف می بیند، متحد و یکپارچه اعلام اعتصاب می کنند، اولین خواست کارگران اجازهی ورود داندن نمایند به شان، بعد، اضافه دستمزده و بالا خوه بهبود شرایط کار است. جریان شروع اعتصاب بلافاصله از طرف کارفرما به اطلاع اداری کار میرسد و بد نیال آن مامورین اداری کار روانهی کارخانه میشوند. کارگران اولین کاری که میکنند این است که سالن های کارخانه را تماما تصرف کرده و تصمیم میگیرند تا رسیدن به آخرین خواستهای خود هیچ یک از این سالنها خارج نشوند. ماموران اداری کار به کمک کارفرما از تمام شگردهای ضد انقلابی خود برای شکستن اعتصاب استفاده میکنند، لیکن هیچیک در تصمیم کارگران، خللی نیسازد. بحث و گفتگو بین مامورین اداری کار و کارگران اعتصابی جریان دارد در کارگران شیفت دوم نیز وارد کار- خانه میشوند و به برادران اعتصابی خود میپیوندند. با پیوستن همهی ۵۰۰ نفر کارگر کارخانه به اعتصاب کارگران اعلام میکنند بیچ نیروی سرگرمی- اجازهی ورود به سالنها را نخواهیم داد، خود به هیچ عنوان از سالنها خارج نخواهیم شد، و تنها نمایندگان سرمایه دار و دولت را برای گفتگو حاضریم به داخل سالنها بید بریم. و تازه در این جاست که با توجه به قابل انفجار بودن کارخانه، سرمایه دار و مزدوران دلتش به خطرات کار پی- میورند. جریان بلافاصله به ساواک و شهربانی خبر داده میشود و ماموران سرگرمی رژیم روانهی کارخانه میشوند. کارگران نیز از سوی دیگر خبر اعتصاب را به بیرون و به خانواده های خود رسانده و در همین اثنا، خانواده های کارگران و مردم فقیر محله شتر- بان نیز روانهی محل کارخانه شده و صد ها زن و کودک در محوطهی کارخانه و اطراف آن جمع شده و سا- داد و فریاد و توضیح در بارهی اعتصاب جریانی شکل یک تظاهرات برام می اندازند. ساواک تصمیم

میگردد، در درجهی اول با حمله و تزویر کارگران را از سالنها خارج کرده و برای عبرت چشم بدگران در محیط کارخانه شد بد سرگرمشان که تعداد بسیاری را زندانی و اخراج نماید، و در صورت عدم امکان خروجشان از سالنها، آنها را در همان محل مورد حمله قرار دهد، لیکن اقدامات و تدابیر قبلی کارگران پلیس و ساواک را کاملاً خلع سلاح میکند. کارگران بلافاصله پس از ورود نیروهای سرگرمی- محل کارخانه اعلام میکنند که در صورت ورود هیچ مامور به سالنها، با یک کبریت تمام کارخانه را منفجر کرده و کارخانه را نابود میکنند. تولگی، سرمایه دار پول پرست وقتی این وضع را میند، به خاطر نجات کارخانهاش بدست و پا میافتد. و از مدیرکل اداری کار میخواهد که خود نبه کارخانه امد، با کارگران صحبت کند. اوائل شب بد یسر اداری کار در حلقهی ماموران شهربانی و ساواک وارد کارخانه شده و شروع به ستم علیه بازی برای کار- گران میکند که بد نیای خارج را تورم و گرانی فراگرفته

بغیه در صفحه ۳

**یک خبر**

در فروردین ماه ۱۳۵۶، دانشگاه شمساهد یک مبارزهی توده ای وسیع و مبارزه جوانه ای بود. در این مبارزه نزدیک به هزار نفر از دانشجویان مبارز دستگیر و گویا قریب ۳۰۰ تن روانهی زندانهای شاه جلا بد میشوند و ۲۰۰ نفر نیز از دانشگاه اخراج میگرددند. در این فعالیت های تظاهراتی دانشگاه دانشجویان آگاه ما دسته دست به محله های فقیر نشین رفته و بحالته گروهی تظاهراتهای زیادی را در میان توده ای زحمتکش ترتیب میدهند که بسا موفقیت و استقبال فراوانی روبرو میشوند. در بسی این مبارزهی توده ای درخشان دانشجویان دانشگاه تعطیل شده و گویا کامکان تعطیل می باشد.